

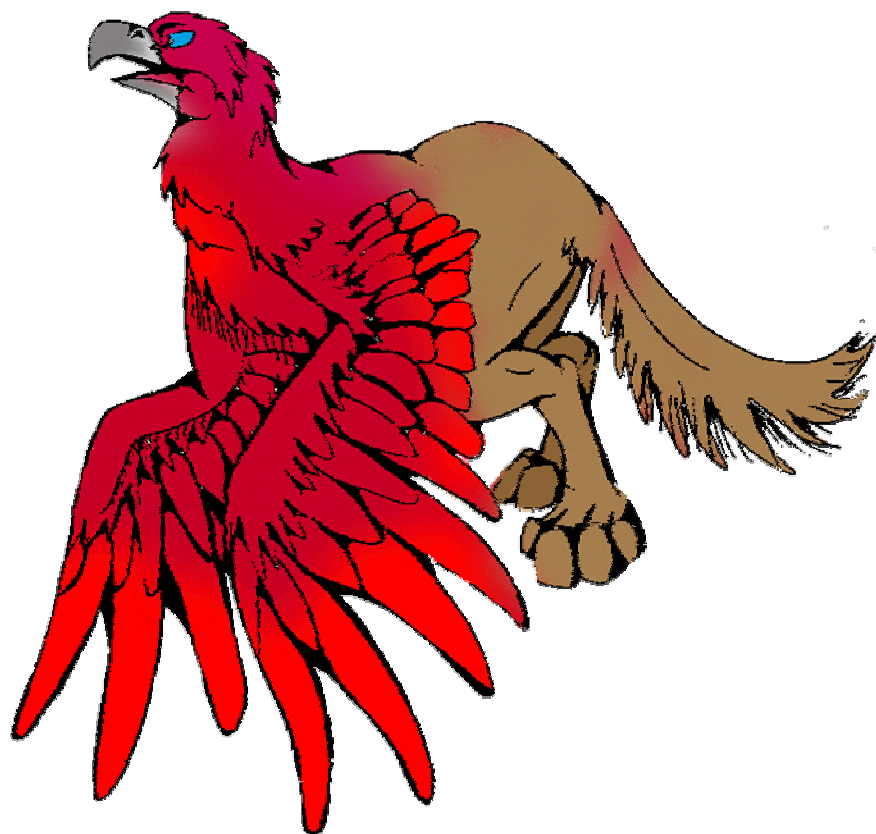
پوهنمل محمود نظری

مرغان افسانه ای

قسمت هفتم

مرغ چمروش

چمروش پرنده ا اسطوره ای است که گفته می‌شود ارزش آن از همه ی پرنده گان میان زمین و آسمان پس از سیمرغ بیشتر است چرا که «هر که کار بزرگی کند، ارزش او بزرگتر است» وظیفه ی چمروش کامل کردن کار سیمرغ است که دربالادرخت «رنج زا» که با «درخت همه تخمه» نیز معروف است، آشیان دارد. هرگاه سیمرغ از آن درخت برخیزد هزار شاخه از آن می‌روید چون بنشیند، هزار شاخه از آن بشکند و تخم از آن پراکنده شود. چمروش، که در آن نزدیکی نشیمن دارد، تخم‌ها را برمی‌چیند و به جایی که (الهه باران) تیشتر آبها را گرد می‌آورد و می‌پراکند. تا از این طریق تخم گیاهان بر زمین بارانیده و فروریخته شود بنابراین چمروش نقش باروری و سرسبزی دایمی زمین را ایفا می‌کند.



در جای دیگری گفته شده است که هر سه
سال یک بار، بسیاری از مردم بیگانه
بر سر کوه البرز گرد می آیند تا به
سرزمین های خراسانی اسیب برسانند
. اما یزد بزرگ، چمروش را به ان کوه می
فرستد تا مردم غیر را از آنجا برچینند
بدان گونه که نام این مرغ شگرف مرغ
دانه زا است (۱،۲،۳)

در اوستا و کتب پهلوی از مرغانی واقعی و نیمه اساطیری چندی یاد گردیده که معروفترین آنهاشش تا بوده و عبارتند از: کرشیپتر، چخرواک، اشوزوشت، سنن مرغو (سیمرغ)، چینامروش (چمروش) و مرغ کمک (۷)

از سوی دیگر همین مرغ اساطیری چمروش با مرغ کمک اوستا و کتب پهلوی مربوط میگردد. معانی لفظی چمروش (چینامروش) یعنی بسیار جینده با مرغ کمک (کاهنده) گویای مفهوم واحدی میباشد که اصل این مرغ اساطیری را باید در اساطیری آریاییان هندی سراغ گرفت چه در آنجا مرغی به نام گارودا (نابود کننده و کاهنده زهر) مرکب (وسیله نقلیه) پرواز گر ایزد معروف هندیان ویشنو است. این مرغ کمک که وصف آن از زبان گرشاسب در روایات هرمزدیار چنین آمده است: «چون مرغ کمک پدید آمد وی پر به سر همه جهانیان بازداشت و جهان تاریک کرد و از باران که می بارید همه بر پشت او می بارید و به دم او باز به دریا میریخت و نمی گذاشت که قطره ای در جهان باریدی، همه جهان از قحط خراب شد و مردم و چارپای مانند اینکه مرغ گندم چیند، او می خورد و هیچ کس تدبیر آن نمیتوانست کردن و من تیروکمان برگرفتم و هفت شبانه روز مانند آن که باران بارد تیر می انداختم و به

هر دو بال او میزدند تا بالهای او چنان
سست شد که زیر افتاد و بسیار خلاق
در زیر گرفت و هلاک کرد و به گرز من
منقار وی خرد کردم. و اگر من آن نه
کردمی عالم را خراب کردی و هیچ کس به
نماندی» (۴).

در جای دیگری گفته شده است که هر سه
سال یکبار، بسیاری از مردم غیر
خراسانی بر سر کوه البرز

گرد می‌آیند تا به سرزمین‌های آنها
آسیب برسانند. اما ایزد، چمروش را
به آن کوه می‌فرستد و آن مرغ همی
غیر خراسانیان را برمی‌چیند، بدان گونه
که مرغ دانه را .

نام این پرنده‌ی شگرف را نباید با
اسم شخص اوستایی - Camrav یکی گرفت (۶)

بجز سیمرغ سایر پرندگانی که در اوستا
از آنها نام برده شده یکی کرشپترپرنده
تیز پروازی است که گفته‌های پیامبر
زردشت را در اطراف می‌پراگند
و دیگری (اشوزشت) یا جغد است که با
ذکر کلمات مقدس دیوان شرور را دور می
سازد (۸)

(هرمزد) در ساحل بحر اوراکاشا یک
درخت و دوه پرنده که زندگی جاودان
دارند خلق نمود،

که هر سال هزاران شاخ نو از آن نمو می نماید او تمامی تخم نباتات در آن شاخ ها درخت اویزان می باشد وقتیکه این تخم های نباتات پخته شود مرغ که (امروش) نام دارد میاید بالا یک شاخ می نشیند آن را شور داده تمامی تخم ها نباتات به زمین پراکنده می شوده و پرنده ی دیگری بنام چمروش این تخم ها را توسط بال خود جمع نموده و در جرمی افگند این تخم ها در ابرها پنهان شده و توسط باران در زمین پراکنده شده و تمامی آن سبز می شوند (۱۰)

یادداشتها

۱- ویب سایید سرد وسبز

۲- عناصر غیر از انسان در ادبیات فارسی

۳- افسانه سیمرغ- شعرو ادبیات سلام کرمانشاه

۴- مشکور وخاتمی. شیخ عطار- شورای گسترش زبان فارسی

۵- مرغان اساطیری اوستا و کتب پهلوی- ویب ساییدفرهنگ و اندیشه ا.

۶- چمروش- سوفی ویب

۷- فرهنگ و اندیشه- زردشت دویم

۸- سلام کرمانشا - افسانه سيمرغ

۹-

THE PERSIAN RIVAYATS-The Birds Amrosh
and Chamrosh

۱۰-

wikipedia.org/wiki/Chamrosh